

دوست داشتن

منفورترین رژیم دنیا



رضا کردلو
فعال فرهنگی

یادداشت

۱ رابرت پریش یکی از آن چهره‌هایی بود که در فیلم هادنبال چارلی چاپلین می‌دوید و ماهی ۷ دلار حقوق می‌گرفت. کتابی دارد که در آن نوشته سال‌ها در استودیوهای مختلف کار کرد و بعد از مدت‌ها دستیاری تدوین، به تدوینگری رسید. خودش می‌گوید که از جان فورد که استاد مسلم سینماست، خیلی چیزها یاد گرفت و چند تا از کارهای جان فورد را هم تدوین کرد. می‌دانیم که جان فورد رکورددار دریافت اسکار در تاریخ این رویداد است؛ او ۴ اسکار بهترین کارگردانی گرفته است. رابرت پریش می‌گوید که سال‌ها گذشت و من برای فیلم «جسم و روح» اسکار گرفتم. رفتم دیدن جان فورد. او روی یک صندلی چرمی نشسته بود. گفت: «رابرت، شنیدم اسکار گرفتی؟» گفتم: «بله قربان، برگشت گفتم.» من ۴ تا گرفتم. مجسمه اسکار را می‌بری دوتا کوجه پایین تر ۲۵ سنت می‌فروشی و دوتا لیوان قهوه می‌گیری. رمز ماندگاری، اسکار نیست.»

۲ فیلم اعتراض باز یگران مطرح هالیوود به نسل‌کشی در غزه را که دیدم یاد این خاطره رابرت پریش از جان فورد افتادم. طرف اسکار دارد! عالی‌ترین جایگاهی را که یک سینماگر می‌تواند به آن برسد، لمس کرده است. اگر قرار بر محرومیت و ممنوعیتی باشد، دامن او را در ننگه دنیا بیشتر خواهد گرفت، چنانچه دامن دانشجویان آمریکایی را گرفت و موجب اخراج و تعلیق صداها نفر از آن‌ها شد. با این همه دست به اعتراض می‌زند، چرا که متوجه است مسئله دیگر اختلاف سلیقه یا پذیرفتن و نپذیرفتن یک نظام سیاسی نیست! مسئله انسانیت است. این راستاهای هالیوود فهمیده‌اند. راز ماندگاری شان حالاً در همراهی با آزادی و «انسانیت» است. ولی دریغ از بسیاری از هم‌صنفان ایرانی‌شان که به بهانه‌های گوناگون سکوت پیشه کرده‌اند.

۳ سال‌ها پیش، گفت وگویی داشتم با فریدون جیرانی و از لابه‌لای حرف‌هایش دنبال طرح سؤال جدیدتر بودم. می‌خواستم به چالشش بکشم. جمله‌ای طلایی گفت: «چه بارادری کسی می‌خواهی از من دریابوری؟ امن‌روشنفکر نیستی که تناقض داشته باشم.» همین را تیتیر کردم.

۴ این تعریف یک فیلمساز و روزنامه‌نگار یاسا بقه از «روشنفکر» ایرانی است. حرفی برای گفتن باقی نمی‌ماند. دیگر لازم نیست توضیح دهم فیلسوفی که سال‌ها برای کانال‌های واتس‌آپی فامیلی در اهمیت ارزش اخلاق مطلب تولید می‌کرد، بعد از دو سال از اجرای نسل‌کشی اخیر غزه و بعد از جنگ علیه کشور خودش، یک گزاره اخلاقی یک خطی هم تولید نکرده است! دیگر جای سؤال نیست که چرا سینماگری که برای گریه مراسم ترحیم می‌گرفت، کشته و زخمی و مفقود شدن چند هزار نفر را نادیده می‌گیرد! معلوم است چرا آنکه از زندگی زن می‌گفت در قبال بزرگ‌ترین زن‌کشی عمده تاریخ، سکوت کرده است. تناقض، ماهیت روشنفکری ایرانی است. می‌خواهی روشنفکر باشی، متناقض باش.

۵ یکی از جملات رهزن که متأسفانه در باور برخی طرف‌داران جمهوری اسلامی نیز رخنه کرده، این است که سکوت سینماگر و هنرمند و روشنفکر ایرانی به خاطر مخالفت با جمهوری اسلامی است و اگر در اینجا جمهوری اسلامی نبود، این‌ها به کشتار در غزه اعتراض می‌کردند. این یکی از کلاه‌هایی است که روشنفکر ایرانی روی سر مخاطبانش می‌گذارد. روشنفکر ایرانی که بخشی از واحد سیاسی اصلاحات در ایران از تقی‌زاده تا محمد خاتمی است، خود را آن چنان غربی می‌بیند که «خود انسان غربی» این همه خودش را متعهد به غرب نمی‌بیند. این وابستگی فکری، البته تبعاتی هم دارد؛ یکی از آن‌ها، «دیگری» دیدن انسانیت است، غیرت‌سازی با انسانیت و همین می‌شود که وقتی می‌بیند نقطه آملش - غرب - دارد کودک پنج‌ساله را هداشات می‌زند، گاوگنجه می‌گیرد! ولی باز دم بر نمی‌آورد. این سکوت گریه، آن هم در حالی که در برجسته‌ترین رویدادهای سینمایی جهان فریاد «فلسطین آزاد» بلند است، محصول سال‌ها تلاش برخی از اصلاح‌طلبان در غیرت‌سازی از انسانیت است. نتیجه سال‌ها «به‌ما چه؟» گفتن، به بار نشسته است! و آخر مگر همه این رفتارها محبوب‌شدن برای غرب نیست! در غرب هم به سقف اعتباری که به فیلمساز ایرانی می‌دهند همان چند ثانیه‌ای است که بهمن قبادی در نقش گارسن رستوران، برای آل پاچینو دسر بیاورد و پرودا جایزه‌های خارجی هم که حالا از چشم ایرانی‌ها افتاده است. ۲۴ ساعت بیشتر ضربه رسانه‌ای ندارد. جعفر پناهی اگر از یک جشنواره محلی جایزه می‌گرفت، بسامد رسانه‌ای بیشتری داشت. اما از کن جایزه گرفت و ۲۴ ساعت هم درباره‌اش روی رسانه‌های ایرانی و شبکه‌های اجتماعی دادار دودور نشد!

۶ شاید هم تقصیر مخاطبان ایرانی روشنفکر ایرانی است که اساساً با انتظار داشتن از او، او را مهم جلوه می‌دهند و او به خیال خود فکر می‌کند در مرکز عالم قرار دارد. این نتیجه‌گیری را بیشتر به صلاح این متن می‌دانم که از این پس هرگونه انتظار و توقع از روشنفکر و آکادمی ایرانی را بی‌خیال شویم و بگذاریم این خواب‌زده‌ها را آب غفلت ببرد. دنیا اما راه دیگری می‌رود. خیابان‌ها در تسخیر آزادگان است و مطمح‌ترین چهره‌ها در رویدادهای هنری و فرهنگی «مرگ بر ارتش اسرائیل» را سر می‌دهند. خوش به حال ما و مردم ما که «امروز دشمن ما، یعنی رژیم صهیونی، منفورترین رژیم دنیا است.»

فرهنگستان

شماره ۹۰۵۴
صفحه ۱۶
۱۰۰۰۰ تومان

چین و روسیه: تحریم‌ها را به رسمیت نمی‌شناسیم

۲

منابع خبری می‌گویند سه کشور اروپایی
پیشنهاد معقول و روی زمین ایران درباره
مکانیسم ماشه را به دلیل فقدان توان تصمیم‌گیری
مستقل از صهیونیست‌ها رد کرده‌اند

سرویس یک طرفه

پای کارت بازرگانی اولی‌ها در میان است؟

۱۶

معمای غیب‌شدن ۷ میلیاردیورو

درباره سریال «کنکل» که هم قصه دارد، هم بیانیه نمی‌خواند

وقتی داستان‌گویی کنسل نیست

۱۳ و ۱۲

ایران در شاخص نهادهای GII ۲۰۲۵ در بین ۱۳۹ کشور، رتبه ۱۳۸ را کسب کرد
با ۶ پله افت هفتادمین
اقتصاد نوآور جهان شدیم

۶

«فرهنگستان» از احیای طرح پزشک خانواده و امکان اجرای آن می‌گوید

اگر بودجه دارید
بسم الله

۸